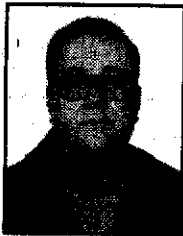


فعال شدن نظامیان در عرصه سیاست



◆ شهرداد اثنی عشری

روزنامه‌نگار و کارشناس
علوم سیاسی و بین‌الملل



برای اداره امور اجرایی کشور اعلام کرده‌اند. اما این که در این دوره به چه دلیل نظامیان علاقه‌مند ورود به عرصه سیاست شده‌اند، جای تامل دارد. اگر به باورهای ملت‌های آریایی و ساکنان مشرق زمین دقت کنیم، می‌بینیم که سال ۸۴ طبق همین سنت‌ها و آیین‌ها، سال خروس است که نظامیان در این سال حاکم می‌شوند. در واقع خروس، سال پیشرفت‌های وسیع نظامی و به قدرت رسیدن افراد نظامی است، سالی است که سیاستمداران به مرخصی می‌روند و نظامیان لباس آنها را بر تن می‌کنند. اما جدا از این باورهای کهن و سنتی، حضور و علاقه نظامیان به حضور در عرصه سیاسی شاید نه به دلیل اخته شدن جناح‌ها، بلکه به علت شکاف بین نسل‌های اول، دوم و سوم انقلاب باشد.

در حال حاضر نسل دوم انقلاب معتقد است که نسل اول آزمایش خود را در عرصه‌های مدیریتی کشور پس داده و اکنون زمان ورود اشخاصی است که بخشی از عمر خود را در جبهه‌های جنگ گذرانده‌اند و می‌خواهند یک بار دیگر مانند اوایل انقلاب، سیاست را در مفهوم نظامی آن تفسیر کنند. بدین ترتیب اشخاصی مانند رضایی یا قالیباف معتقدند باید در کسوت دولتمردان آیند، به وظیفه خود عمل کنند، بنابر این شاید از دیدگاه این افراد

اگر چه طبق قانون اساسی جمهوری اسلامی، رئیس جمهوری باید از میان رجال مذهبی و سیاسی که واجد شرایط خاص باشد، انتخاب شود. با این وجود در آستانه برگزاری نهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری، قانون در برابر ورود نظامیان به عرصه سیاست و انتخابات همچنان سکوت کرده و تعبیری در این باره ندارد.

این سکوت باعث حضور نظامیان در عرصه انتخابات شده و همان طور که در دوره قبل در یادار شمخانی وزیر دفاع تمایل خود را برای حضور در این عرصه اعلام کرد، در حال حاضر نیز قالیباف و رضایی که هر کدام در دورانی مدیریت نهادهای نظامی و امنیتی را عهده‌دار بودند، آمادگی خود را

گرایش نظامیان به سیاست اگر چه با واکنش‌های گسترده‌ای در محافل سیاسی و مطبوعاتی مواجه شده، اما توجه به این نکته که اولین جناح‌بندی‌های سیاسی جمهوری اسلامی از درون سپاه که نهادی نظامی است، شکل گرفته، پاسخ بسیاری از ابهامات و پرسش‌ها را مشخص می‌کند.

شاید از همان سال‌های اولیه پیروزی انقلاب که سپاه پاسداران در سه محور سیاست، ایدئولوژی و نظامی‌گری به وجود آمد، دفاع از نظام و حفظ وضع موجود در برابر تهدیدهای خارجی، به سیاست در این نهاد نظامی معنای تازه‌ای بخشید، اما پس از وقوع جنگ ایران و عراق و غالب شدن وجه نظامی و امنیتی آن و سپس موضع‌گیری امام خمینی (ره) در خصوص بر حذر داشتن سپاه برای ورود به عرصه سیاست، چهره سیاسی این نهاد نظامی کم‌رنگ‌تر شد تا این که پس از پایان جنگ اعضای سپاه به تدریج مدیریت دستگاه‌ها در نهادهای کشور را از آن خود کردند.

مدیران جدید که عمدتاً از چهره‌های جوان و محروم انقلاب بودند، پس از تشکیل اولین جناح‌بندی‌های سیاسی از درون سپاه و راه یافتن به دولت در عرصه‌های مختلف اقتصادی، سیاسی و عمرانی و فرهنگی مشغول به فعالیت شدند.

◆
نظامیان با اعلام
برائت از جناح
موسوم به راست
و چپ، راه سوم را
انتخاب کردند

تحصیل تا مقطع دکتری و بیرون آوردن لباس‌های نظامی و بر تن کردن جامه سیاست بیش از هر زمان دیگر لازم به نظر برسد، زیرا تحول در عرصه مدیریتی لازمه ادامه حیات سیاسی است.

با این رویکرد رضایی و قالیباف تصمیم به حضور در انتخابات ریاست جمهوری گرفته‌اند و قصد دارند فراتر از احزاب سیاسی، نسل جدیدی از مدیران را در کشور پرورش دهند. اینها دنبال نظم جدیدی هستند تا تجربه خود را هماهنگ با آن به نسل بعدی منتقل کنند، به همین دلیل هم به نسل اولی‌ها چندان توجهی نمی‌کنند. نتیجه آن می‌شود که شورای هماهنگی نیروهای انقلاب که برای انتخاب نامزد واجد شرایط اصول‌گرایان تشکیل شده، با عدم موفقیت و وتوی یکی از همین افراد نسل دوم به ورطه اضمحلال و ناکامی کشیده می‌شود تا ناطق نوری که داعیه انتخابات رییس جمهوری آینده را داشته این چنین طعم تلخ ناکامی را به چشد.

همان طور که در ابتدای این نوشتار اشاره شد، نیروهای نظامی بار دیگر در خلاء تفسیر قانون در برابر حضور نظامیان در عرصه سیاست گام در این راه نهاده و می‌خواهند بخت خود را برای نشستن بر صندلی اجرایی کشور بیازمایند و دیگر مانند گذشته به جناح‌بندی‌های سیاسی و سنتی پایبند نیستند، به همین دلیل هم رضایی و قالیباف خود را در چارچوب شورای هماهنگی محصور نکردند و با اعلام برائت از جناح راست و چپ، راه سومی را برگزیدند.

محسن رضایی که مدت‌ها ریاست سپاه پاسداران را عهده‌دار بود، اینک با اعتقاد به ضرورت تشکیل دولتی ائتلافی می‌گوید: باید از اختیارات و امکانات دولت برای ایجاد یک جریان سیاسی و احیای فرزندان فراموش شده انقلاب استفاده کرد. وی با اشاره به اهمیت بازسازی هویت ملی ادامه می‌دهد: باید اراده و اعتماد به نفس را در جوانان ایرانی تقویت کنیم و احساس مسوولیت را به آنها باز گردانیم و در این مسیر از مشورت نسل اول، تجربه نسل دوم و انرژی نسل سوم برای تشکیل یک دولت کارآمد مردمی استفاده کنیم. این گونه است که رضایی برای عبور از مدیران کهنه و متعلق به نسل اول با راه‌اندازی ستادهای انتخاباتی خود در شهرهای کشور، نامزدهای رقیب را به مبارزه طلبیده است.

وی که دارای پدری چوپان و در یکی از روستاهای مسجد سلیمان به دنیا آمده، تحصیلات

خود را پس از جنگ و در حالی که فرمانده سپاه بود، با تغییر رشته از مهندسی مکانیک دانشگاه علم و صنعت به رشته اقتصاد دانشگاه تهران ادامه داده و تا مقطع فوق لیسانس پیش رفت و پس از خارج شدن از سپاه مقطع دکترا را نیز به پایان رساند و اینک با توجه به اهمیت مطالبات اقتصادی مردم در دولت آینده وارد رقابت‌های انتخاباتی شده است. دیگر کاندیدای هم‌عرض او محمد باقر قالیباف که مانند رضایی میثاق نامه گروه موسوم به چهار را امضا کرده، در عین احترام به نظامی‌گری، خود را نظامی نمی‌داند و می‌گوید: امروز در شرایطی هستیم که در برخی موضوعات، ذهن مردم و ملت ما با ذهن برخی مسوولان و سیاسیون همخوانی و انطباق ندارد، لذا می‌خواهم باورهای ذهنی‌ام را به صورت شفاف با مردم در میان گذارم تا آنها تصمیم مقتضی بگیرند.

وی که صبح روز دوشنبه ۲۲ فروردین ماه سال جاری به طور رسمی در یک کنفرانس مطبوعاتی حضور خود را در عرصه انتخابات اعلام کرد، به خبرنگاران گفت: به هیچ‌کدام از جناح‌های موسوم که امروز در کشور هستند، وابسته نیستم و اگر چه خود را اصول‌گرا می‌دانم اما آن را راست‌گرایی ارزیابی نمی‌کنم.

قالیباف در مورد شورای هماهنگی و ارتباط با آن نیز تاکید کرد: زمانی برخی از چهره‌های سیاسی که خود را اصول‌گرا می‌خواندند، می‌خواستند پشت درهای بسته تصمیم بگیرند و تعیین تکلیف کنند، اما مجموعه‌ای از اصول‌گراها از آنها جدا شدند زیرا احساس کردند که آن مجموعه نمی‌خواهد دموکراتیک عمل کند و چون می‌دانستند من هم اصول‌گرا هستم آمدند و به من گفتند آن مجموعه را قبول ندارند، من هم سخن آنها را قبول کردم و امروز هم مبنای تفاهم ما این است که مردم تصمیم‌گیری کنند.

او که فردی نظامی است، در باره پیامدهای حضورش در عرصه سیاست نیز گفت: در

طبق قانون اساسی ر رجال مذهبی و سیاسی در حال حاضر در درانت

تصویر
نظامیان
است

دلیل گرایش نظامیان به سیاست

و انتخابات ناشی از عمیق شدن شکاف اجتماعی بین نسل

اول و دوم انقلاب است

که دوران جوانی خود را با یکدیگر و کنار هم گذرانده‌اند اکنون در میانسالی مقابل هم قرار گرفته‌اند شکل نوینی از رقابت‌های سیاسی را نشان می‌دهد.

مدیران نسل اول سپاه و جهاد سازندگی که در طول ۲۵ سال گذشته به مسوولیت‌های امنیتی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی منصوب شدند به دلیل شدت یافتن دامنه اختلاف با نسل دوم در شرایط کنونی به ناتوانی در اداره نظام مدیریتی کشور متهم شده‌اند و در عوض نسل دوم قصد دارد با سبقت گرفتن از آنها، سنگرهای دولت را تسخیر کند. با این توصیف روند طی شده در انتخابات و ناکامی جناح‌ها در معرفی نامزد واحد را نباید فقط در اختلاف عقیده و یا سهم‌خواهی احزاب زیر مجموعه خلاصه کرد، بلکه دلیل اصلی آن ناشی از شدت یافتن دامنه شکاف اجتماعی است نه اختلافات سیاسی.

امروز به نظر نمی‌رسد صحبت کردن از واژه‌هایی مانند "چپ" و "راست" محلی از اعراب داشته باشد. در عوض باید نگاه‌ها را متوجه نسل قدیم و جدید کرد. در واقع ریشه اختلافات سیاسی امروز را باید در تفاوت دیدگاه و نگرش نسل‌های قدیم و جدید نسبت به قدرت و سیاست ارزیابی کرد، نگرشی که دوستان دیروز را به رقیبان امروز و نظم قدیم را به نظم جدید تبدیل کرده است. پس اگر در این شرایط نظامی‌هایی مانند رضایی یا قالیباف قصد فعالیت در عرصه انتخابات را دارند هر چند با واکنش‌های منفی مواجه شوند امری غیر مترقبه تلقی نمی‌شود، زیرا شکاف‌های اجتماعی پدید آمده در طول این سال‌ها چهره‌های نظامی را به حضور در عرصه سیاست وادار می‌کند. اکنون به نظر می‌رسد به رغم مسکوت بودن قانون درباره حضور نظامیان در انتخابات، وضعیت دشوار کنونی و بن‌بست جناح‌ها در تصمیم‌گیری‌های سیاسی، به اجبار جبهه جدیدی را در عرصه مدیریتی کشور گشوده است. فضا و جبهه‌ای که اگر فرصت حضور یابد، بی‌شک تمامی معادلات قدرت را به یک باره به هم خواهد ریخت و با کنار گذاشتن مدیران نسل دیروز، پایه‌گذار نظامی تازه خواهد شد که نظم نوینی را نیز به ارمغان خواهد آورد.

با توجه به نکات ذکر شده و صراحت قانون اساسی مبنی بر انتخاب رئیس جمهوری از بین رجال سیاسی و مذهبی و نیز سکوت قانون در این خصوص، باید به انتظار نشست و دید آیا افکار عمومی به نامزدهای نسل دوم انقلاب اعتماد خواهد کرد و یا قدیمی‌ها را ترجیح خواهد داد؟

قالیباف که درجه کارشناسی ارشد را در سال ۱۳۵۷ در رشته جغرافیای سیاسی دریافت کرد، مدتی فرمانده نیروی هوایی سپاه پاسداران شد و پس از گذراندن دوره خلبانی در سال ۱۳۸۰ دوره دکتری جغرافیای سیاسی را در دانشگاه تربیت مدرس گذراند و فارغ‌التحصیل شد تا این که در سال ۱۳۷۹ به سمت فرماندهی نیروی انتظامی ایران منصوب شد.

... و اینک در آستانه برگزاری انتخابات نهم ریاست جمهوری در حالی کاندیداهای نظامی وارد صحنه شده‌اند که هیچکدام از دو جناح سیاسی کشور نتوانسته‌اند روی یک نامزد خاص به اجماع برسند. در واقع این اختلافات صرفاً سلیقه‌ای نبوده و نیست بلکه اختلاف نظری بین دو نسل از یک نهاد است. نسل قدیمی که ۲۵ سال دولت را اداره کرده و نسلی جدید که می‌خواهد از این پس طلایه‌دار حکومت باشد. سربازان دیروز میدان جنگ اکنون می‌خواهند بوروکرات و سیاستمدار شوند و اسلام‌گرایی را در مفهوم حفظ ایندولوژی احیا کنند، بنابراین تحولات سیاسی و اجتماعی کشور همگی نشان از بازگشت مجدد سپاهیان و ایفای نقش تاریخی آنها در عرصه سیاست دارد. اگر تا دیروز افرادی مانند محسن آرمین، مصطفی تاج‌زاده، رحیم صفوی، محسن سازگارا، محسن رضایی و محمدباقر ذوالقدر خود را به عنوان موسسان سپاه پاسداران معرفی کرده و همکار هم بودند ولی امروز هر کدام راه خود را انتخاب کرده و در عرصه‌های مدیریتی به انجام وظیفه مشغولند. اما شکاف نسل‌ها در شرایط کنونی آن قدر عمیق شده که دوستان قدیمی را نیز مقابل یکدیگر قرار داده است.

محمود حجتی که روزگاری همکار علی‌داریی بود، اکنون در دو اردوگاه جدا مقابل یکدیگر صف‌آرایی کرده‌اند، اولی در جبهه مشارکت است و دومی در جمعیت ایثارگران، جمعیتی که یکی از عوامل اصلی ناکارآمدی شورای هماهنگی نیروهای انقلاب تلقی می‌شود. رقابت این دو نفر و نیز نیروهای سیاسی دیگر



کشورهای پیشرفته و مدرن دنیا هم افرادی که سابقه کار نظامی داشته‌اند و به کار سیاسی روی آوردند، وجود دارند. من یک مجاهد بودم که به عرصه دفاع آمدم و بعد هم در حوزه آبادانی فعال شدم. اگر روحیه من میلیتاریستی بود، بهترین فضا برای اعمال آن پلیس بود که من هیچگاه چنین عمل نکردم.